

پانیوم - شماره چهارده

سرخوردگی به مثابه کلید آزمون معبد

Jeff Pippenger

2026-02-18

موضوع قدس‌گاه، «کلیدی» بود که در آغاز پیام فرشته سوم، قفل ناامیدی ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را گشود؛ و موضوع آن ناامیدی، «کلید» گشودن پیام قدس‌گاه آزمون هیکل در پایان پیام فرشته سوم است.

و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو خواهم داد؛ و هرآنچه بر زمین بندی، در آسمان بسته خواهد شد؛ و هرآنچه بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد. متی ۱۹:۱۶.

این‌که ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به صورت «9/11» فهمیده می‌شود، در همسویی با این حقیقت که «911» در ایالات متحده نماد تماس اضطراری است، به تدبیر آن یگانه طراح همه‌چیز بوده است. فهم نومیادی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ همان چیزی است که امکان می‌دهد جنبش یکصد و چهل و چهار هزار بدین‌سان بازشناخته شود؛ اما تنها نزد آنان که می‌خواهند ببینند عیسا امروز نیز، نه به‌گونه‌ای متفاوت از دو هزار سال پیش، امور روحانی را به‌واسطه امور طبیعی نمایان می‌سازد. دید «20/20» بهترین دیدی است که می‌توان داشت، و نومیادی سال ۲۰۲۰ همان نشانه راهی است که امکان می‌دهد هیکل در تاریخ نبوتی ده باکره بازشناخته شود.

"مثل ده دوشیزه در متی ۲۵، تجربه قوم ادونتیست را نیز نشان می‌دهد." مناقشه بزرگ، ۳۹۳.

دید ۲۰/۲۰ وقتی با پس‌نگری‌ای که حقایق بنیادین نمایانگر آن‌اند توأم شود، حتی برتر است. پولس تعلیم می‌دهد که "ارواح انبیا مطیع ارواح انبیا هستند"، و از این‌رو باکران متی همان باکرانی‌اند که یوحنا ایشان را به منزله صد و چهل و چهار هزار معرفی می‌کند، و یوحنا ایشان را در مکاشفه ۱۴۴ باکره می‌خواند.

این‌ها کسانی‌اند که خود را با زنان نیالودند، زیرا باکره‌اند. این‌ها کسانی‌اند که هرجا بره برود، او را پیروی می‌کنند. اینان از میان آدمیان خریداری شدند تا به‌عنوان نوبرها برای خدا و برای بره باشند. مکاشفه ۴:۴.

نخستینه‌های فصل پاییز، دوشیزگانی هستند که از پی بره به درون هیکل درمی‌آیند، و «کلید» فهم هیکل، سرخوردگی سال ۲۰۲۰ است.

و کلید خانه داوود را بر دوش او خواهم نهاد؛ پس او می‌گشاید و هیچ‌کس نمی‌بندد؛ و او می‌بندد و هیچ‌کس نمی‌گشاید. اشعیا ۲۲:۲۲

اگر قرار باشد یک ادونتیست در زمره یکصد و چهل و چهار هزار نفر باشد، وی به اقتضای نبوت ناگزیر پیش‌تر سرخوردگی‌ای را متحمل شده خواهد بود که از اعلام یک پیشگویی عمومی تحقق‌نیافته ناشی شده است.

"اغلب توجه من به مثل ده باکره جلب می‌شود؛ پنج تن از آنان خردمند بودند و پنج تن نادان. این مثل مو به مو تحقق یافته و خواهد یافت، زیرا برای این زمان کاربردی ویژه دارد و، همچون پیام فرشته سوم، تحقق یافته و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود." Review and Herald، ۱۹ اوت ۱۸۹۰.

نبرد پانیوم در آیه پنزدهم فصل یازدهم کتاب دانیال، همان نبردی است که به آیه شانزدهم می‌انجامد؛ آیه‌ای که قانون یکشنبه را در ایالات متحده مشخص می‌کند.

پس پادشاه شمال خواهد آمد و تلی برخواهد آورد و حصین‌ترین شهرها را خواهد گرفت؛ و قوای جنوب یارای ایستادگی نخواهند داشت، و نه سپاهیان برگزیده او، و هیچ قوتی برای مقاومت نخواهد بود. دانیال ۱۱:۱۵.

در این آیه، ایالات متحده آمریکا روسیه را، به همراه قوم برگزیده روسیه، شکست می‌دهد. اما در آیه بعد، هیچ‌کس نمی‌تواند در برابر برآمدن روم بایستد؛ برآمدنی که یهودا و اورشلیم را به منزله نخستین گام در تسخیر جهان نشان می‌کند، زیرا روم به عنوان چهارمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس سربرآورد. با استقرار در سرزمین مجید لفظی در آیه شانزدهم، نماد اقتدار روم لفظی در درون همان سرزمین مجید لفظی قرار گرفت؛ و بدین‌سان، نمونه‌ای برای آیه چهل‌ویکم فراهم می‌آورد، آنگاه که نشان اقتدار روم روحانی بر سرزمین مجید روحانی ایالات متحده تحمیل می‌شود.

دو شاخ وحش زمین در مکاشفه یوحنا باب سیزدهم، نمایانگر جمهوری‌خواهی و پروتستانیسم‌اند. در آیه پنزدهم از باب یازدهم کتاب دانیال، آنتیوخوس ماگنوس، که به آنتیوخوس سوم و آنتیوخوس کبیر نیز شناخته می‌شود، پادشاهی جنوب را که با سلسله بطلمیوسی نمایندگی می‌شود، شکست می‌دهد. آنتیوخوس نمایانگر دونالد ترامپ است و پادشاه جنوب نمایانگر روسیه است. جنگ پانیوم جنگی است میان ایالات متحده و روسیه و قوم برگزیده روسیه؛ جنگی که آنتیوخوس در آن غالب آمد، اما سپس پادشاهی او به دست رم حقیقی—قدرت آیه چهاردهم—فتح شد، که بینش خارجی شاخ جمهوری‌خواه وحش زمین را تثبیت می‌کند. بینش داخلی به وسیله شاخ پروتستان وحش زمین نمایندگی می‌شود. هر دو شاخ در جنگ پانیوم حاضرند، زیرا پطرس در آن‌جا به عنوان یک پروتستان با پیام خود از کتاب یوئیل حضور دارد.

۲۵۰ سال

هنگامی که دو خط وحش زمین را در نظر می‌گیریم، درمی‌یابیم که در ۱۷۷۶ وحش زمین سر برآورد، و تا ۱۷۹۸ (بیست‌و دو سال بعد) وحش دریا در مکاشفه ۱۳ زخم مرگبار خود را دریافت کرد، و وحش زمین به عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس فرمانروایی خود را آغاز کرد. دویست‌وپنجاه سال بعد، در ۲۰۲۶، ما به آزمون معبد درونی که در ۸ مه ۲۰۲۵ آغاز شد، چشم گشوده‌ایم.

آن «۲۵۰» سال همچنین با آنتیوخوس کبیر پیوند دارند. با آغاز از فرمان ۴۵۷ پیش از میلاد و با احتساب دویست و پنجاه سال از آن فرمان، به سال ۲۰۷ می‌رسیم؛ هفت سال پیش از نبرد پانیوم، و ده سال پس از آن که بطلمیوس آنتیوخوس را در نبرد رافیا شکست داد، که این امر در آیه یازدهم باب یازدهم دانیال بازنمایی شده است. بدیهی است که دانیال ۱۱:۱۱ خط بیرونی شاخ جمهوری‌خواه است که با مکاشفه ۱۱:۱۱ هم‌تراز می‌شود، و آن خط درونی شاخ پروتستان است. دانیال و مکاشفه یک کتاب‌اند، و مکاشفه مهرها را به منزله نمادهای نبوت بیرونی و کلیساها را به منزله نمادهای نبوت درونی موازی به کار می‌گیرد.

کورش نمایانگر هر سه فرمان است، زیرا سومی بدون نخستین و دومین نمی‌تواند وجود داشته باشد.

«در باب هفتم عزرا، فرمان یافت می‌شود. آیات ۱۲-۲۶. این فرمان در کامل‌ترین صورت خود به وسیله اردشیر، پادشاه فارس، در سال ۴۵۷ پیش از میلاد صادر شد. اما در عزرا ۶:۱۴ گفته شده است که خانه خداوند در اورشلیم «برحسب فرمان [«حکم»، در حاشیه] کوروش و داریوش و اردشیر، پادشاه فارس» بنا شد. این سه پادشاه، با آغاز کردن، تجدید تأیید نمودن، و کامل کردن فرمان، آن را به کمالی رساندند که نبوت برای مشخص ساختن آغاز ۲۳۰۰ سال اقتضا می‌کرد. با

در نظر گرفتن سال ۴۵۷ پیش از میلاد، یعنی زمانی که فرمان کامل شد، به عنوان تاریخ صدور فرمان، آشکار گردید که هر جزء مشخصات نبوت درباره هفتاد هفته تحقق یافته بود.» — نبرد عظیم، ص. ۳۲۶.

از سه فرمانی که به وسیله کوروش در ۴۵۷ پیش از میلاد تمثیل می‌شوند، دوره‌ای «۲۵۰» ساله در آن برهه تاریخی به انجام می‌رسد؛ برهه‌ای که میان نبرد رافیا در ۲۱۷ پیش از میلاد—آنگاه که بطلمیوس چهارم آنتیوخوس کبیر را شکست داد—و سال ۲۰۰ پیش از میلاد—زمانی که سپس آنتیوخوس در نبرد پانیوم در آیه پانزدهم بطلمیوس را شکست داد—جای می‌گیرد. این خط، آنتیوخوس کبیر را با دونالد ترامپ هم‌راستا می‌کند. در آغاز ششمین مملکت نبوت کتاب مقدس، از ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸، دوره‌ای «۲۲» ساله وجود دارد که نمایانگر خیزش آن مملکت است. همان «۲۲» سال همچنین تاریخ نمادین شده با عدد «۲۲» را در پایان تاریخ ششمین مملکت، از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۳، به تصویر می‌کشد. «۲۲» نماد ترکیب الوهیت با انسانیت است که در درون تاریخ ششمین مملکت نبوت کتاب مقدس تحقق می‌یابد؛ همان که وحش زمین است با شاخی بیرونی از جمهوریت و شاخی درونی از پروتستانتیسم.

کاری که مسیح به واسطه اتحادی که «۲۲» نمایانگر آن است انجام می‌دهد، کار نهایی مسیح در قدس‌الاقداص است؛ کاری که به محو گناه نمودار می‌گردد و بنا بر گفته یوئیل، به همراه تفسیر الهامی پطرس، در هنگام افاضه باران دیررس واقع می‌شود.

پس توبه کنید و بازگشت نمایید، تا گناهان شما محو گردند، هنگامی که ایام تجدید قوت از حضور خداوند فرا رسند. اعمال رسولان ۱۹:۳

محو گناه، آخرین خدمت کاهن اعظم آسمانی است.

چنان که در روزگاران باستان، گناهان قوم به واسطه ایمان بر قربانی گناه نهاده می‌شد و از طریق خون آن، به نحو نمادین، به قدس زمینی منتقل می‌گردید، به همان سان در عهد جدید، گناهان توبه‌کنندگان به واسطه ایمان بر مسیح نهاده می‌شود و در واقع به قدس آسمانی انتقال می‌یابد. و همان‌گونه که تطهیر نمونه‌ای قدس زمینی با برطرف کردن گناهانی که آن را آلوده ساخته بود تحقق می‌یافت، تطهیر واقعی قدس آسمانی نیز با برطرف ساختن، یا محو، آن گناهانی که در آنجا به ثبت رسیده‌اند به انجام خواهد رسید. اما پیش از آنکه این امر تحقق یابد، باید بررسی کتاب‌های ثبت وقایع صورت گیرد تا معلوم شود چه کسانی، از رهگذر توبه از گناه و ایمان به مسیح، سزاوار بهره‌مندی از فواید کفار و هستند. از این رو، تطهیر قدس مستلزم کاری تحقیقی - کاری داوری - است. این کار باید پیش از آمدن مسیح برای فدیة دادن قومش انجام پذیرد؛ زیرا هنگامی که او می‌آید، پاداش او با اوست تا به هر کس بر حسب اعمالش عطا کند. مکاشفه ۱۲:۲۲. نبرد عظیم، ۴۲۱.

آن کاری که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شد، در اوج فریاد نیمه‌شب آغاز گردید، و همان کار در اوج فریاد نیمه‌شب به انجام می‌رسد؛ اوجی که پطرس آن را دوره محو گناهان می‌شناسد، دوره‌ای که نشانگر دوره داوری زندگان است، هنگامی که «اوقات ترویج» فرا می‌رسد.

کار داوری تفتیشی و محو گناهان می‌باید پیش از ظهور ثانی خداوند به انجام رسد. چون مردگان بر حسب آنچه در کتاب‌ها نوشته شده داوری خواهند شد، محال است که گناهان آدمیان تا پس از آن داوری که در آن پرونده‌هایشان مورد تفتیش قرار می‌گیرد، محو گردد. اما رسول پطرس به صراحت بیان می‌کند که گناهان مؤمنان آنگاه محو خواهد شد «هنگامی که اوقات ترویج از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی مسیح را بفرستد.» (اعمال ۱۹:۳، ۲۰). و چون داوری تفتیشی خاتمه یابد، مسیح خواهد آمد، و پاداش او با وی خواهد بود تا به هر کس بر حسب عمل او بدهد. مناقشه عظیم، ص ۴۸۵.

"اوقات ترویج" نیز همان "اوقات اعاده همه چیز" است.

پس توبه کنید و بازگشت نمایید، تا گناهان شما محو گردد، هنگامی که ایام آسایش از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی مسیح را که از پیش به شما بشارت داده شده بود، خواهد فرستاد؛ او را آسمان باید بپذیرد تا زمان بازبرقراری همه چیز، چنان که خدا از آغاز جهان به زبان جمیع انبیای مقدس خود گفته است. اعمال رسولان ۱۹: ۳-۲۱.

«ایام تجدید قوت» که «از حضور خداوند» می آید، زمانی رخ می دهد که «عیسی مسیح» فرستاده شود. هنگامی که فرشته مکاشفه باب دهم در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ فرود آمد، خواهر وایت تصدیق کرد که آن فرشته «کسی جز خود عیسی مسیح نبود». کاری که مسیح در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز کرد، به وسیله تاریخ ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ ممهّد شد؛ و خواهر وایت این تاریخ را «تجلی پر جلال قدرت خدا» می خواند، همان تاریخ را با فصل پنطیکاست در زمان پطرس برابر می نهد، و سپس آن دو خط تاریخ نبوی را به کار می گیرد تا به نزول فرشته مکاشفه باب هجدهم که زمین را با جلال خود روشن می سازد، اشاره کند.

آن فرشته ای که در اعلام پیام فرشته سوم هم صدا می شود، باید سراسر زمین را با جلال خود روشن سازد. در اینجا از کاری با دامنه ای جهانی و قدرتی بی سابقه پیشگویی شده است. جنبش ظهور سال های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ جلوه ای باشکوه از قدرت خدا بود؛ پیام فرشته نخست به هر ایستگاه میسیونری در جهان رسانده شد، و در برخی کشورها بزرگترین علاقه و شور دینی پدید آمد که از زمان اصلاح دینی قرن شانزدهم در هیچ سرزمینی دیده نشده بود؛ اما اینها نیز با جنبش نیرومندی که تحت آخرین هشدار فرشته سوم برخواهد خاست، پشت سر گذاشته خواهد شد.

این کار همانند کار روز پنطیکاست خواهد بود. چنان که "باران پیشین" در ریزش روح القدس در آغاز انجیل عطا شد تا بذر گرانها برآید، همان گونه "باران پسین" نیز در پایان آن داده خواهد شد تا خرمن برسد. "آنگاه خواهیم شناخت، اگر در پی شناخت خداوند باشیم؛ برآمدن او همچون صبح مهیا است؛ و نزد ما خواهد آمد چون باران، همچون باران پسین و پیشین بر زمین." هوشع ۳: ۶. "پس شاد باشید، ای فرزندان صهیون، و در خداوند خدای خود شادی کنید؛ زیرا برای شما باران پیشین را به موقع عطا کرده است، و برای شما باران را فرو خواهد فرستاد، باران پیشین و باران پسین." یوئیل ۲: ۲۳. "در روزهای آخر، خدا می گوید: از روح خود بر همه بشر خواهم ریخت." و چنین خواهد شد که هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت." اعمال رسولان ۱۷: ۲، ۲۱.

کار بزرگ انجیل قرار نیست با جلوه ای از قدرت خدا کمتر از آنچه آغازش را مشخص ساخت، پایان پذیرد. پیشگویی هایی که در ریزش باران اول در آغاز انجیل تحقق یافتند، در پایان آن در باران آخر دوباره تحقق خواهند یافت. اینجاست «زمان های تازگی» که رسول پطرس چشم انتظارش بود، هنگامی که گفت: «پس توبه کنید و بازگشت نمایید تا گناهان شما محو گردد، تا زمان های تازگی از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی را خواهد فرستاد.» اعمال ۱۹: ۳، ۲۰. نبرد عظیم، ۶۱۱.

جنبش ظهور سال های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ تجلی باشکوه قدرت خدا بود که موجب آغاز گشایش کار مسیح در تطهیر قدس او شد. آن تاریخ آنگاه آغاز گردید که عیسی، که به صورت فرشته نخست باب چهاردهم مکاشفه نمایانده شده است، چنان که در باب دهم مکاشفه نمایانده شده، در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ فرود آمد. آن تجلی قدرت خدا که در آن هنگام آغاز شد، شدت گرفت تا به گشایش دآوری تحقیقی بینجامد؛ از این رو نمونه ای بود از تجلی قدرت خدا که تا اختتام دآوری تحقیقی شدت خواهد گرفت. دوره پایانی در یازدهم سپتامبر آغاز شد، آنگاه که عیسی بار دیگر همچون فرشته باب هجدهم مکاشفه فرود آمد، هنگامی که بناهای عظیم نیویورک به واسطه لمس خدا فرو افکنده شدند، و کار دآوری تحقیقی از مردگان به زندگان تغییر یافت. باران ها زمانی فرامی رسند که عیسی فرستاده شود.

عیسی تعلیم داد که باید بخواهیم تا دریافت کنیم، و زکریا می‌گوید که در وقت باران پسین باید باران پسین را بطلبیم. از این رو روشن است که برای عمل به رهنمود زکریا باید بدانید که در زمان باران پسین به سر می‌برید.

از خداوند در وقت باران پسین، باران بخواهید؛ پس خداوند ابرهای درخشنده پدید خواهد آورد و رگبارهای باران بدیشان خواهد بخشید، و به هر یک در صحرا، گیاه خواهد بخشید. زکریا ۱:۱۰.

در یازدهم سپتامبر، عیسی به منزله فرشته باب هجدهم مکاشفه فرود آمد و بارش باران پسین به صورت ریزه آغاز شد، اما این باران تنها بر کسانی می‌بارد که فرمان زکریا را - «باران پسین را بطلبید» - به جا می‌آورند، آنگاه که ادراک راستینی دارند که «اوقات تجدید نیرو» و اعاده همه چیزها فرا رسیده است. جان باید «بازشناسد» که دوره نبوی باران پسین فرا رسیده است.

ما نباید منتظر باران پسین بمانیم. این باران بر همه کسانی فرو می‌ریزد که شبنم و رگبارهای فیضی را که بر ما می‌بارد، بشناسند و از آن بهره‌مند شوند. وقتی ذرات نور را گرد می‌آوریم، وقتی رحمت‌های استوار خدا را - که دوست دارد ما به او اعتماد کنیم - قدر می‌دانیم، آنگاه هر وعده‌ای تحقق خواهد یافت. [اشعیا ۶۱:۱۱ نقل شده است.] تمام زمین باید از جلال خدا پر شود. تفسیر کتاب مقدس ادونتیست‌های روز هفتم، جلد ۷، صفحه ۹۸۴.

در یازدهم سپتامبر، ایام تجدید آغاز شد، و محو شدن گناهان زندگان نیز آغاز گشت. آن داوری کاملاً با نخستین اصل عهد سه‌مرحله‌ای ابراهیم منطبق است. آن اصل نخست این بود که چون خداوند اسرائیل را از بندگی مصر بیرون آورد، هم قوم عهدی خویش و هم آن امتی را که در آن چون میهمانان و غریبان می‌زیستند، داوری خواهد کرد. قوم عهدی نخست، نمونه‌ای از قوم عهدی آخر بود که همان یکصد و چهل و چهار هزارند. آن قوم نبوی به منزله شاخ پروتستان وحش زمین داوری خواهد شد، و در همان حال، شاخ جمهوری خواه وحش زمین نیز به طور هم‌زمان داوری خواهد شد.

داوری شاخ جمهوریّت در پایان تاریخ آن فرامی‌رسد، که همان قانون یکشنبه است. قانون یکشنبه در تحقق آیه شانزدهم، یعنی تسلط روم بر یهودا در سال ۶۳ پیش از میلاد - به گفته برخی مورخان در روز کفاره - متمثل است.

آنتیوخوس کبیر، در آیات ده تا پانزده نمایانگر ایالات متحده است. رونالد ریگان در نبرد آیه ده پیروز شد؛ نبردی که نمونه‌ای از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در آیه چهل بود. اشعیا ۸:۸ همان نبردی را که در آیات ده و چهل باب یازدهم دانیال بازنمایی شده است، مشخص می‌کند، و آن سه آیه موازی این امکان را فراهم می‌آورند که روسیه به عنوان پیروز نبرد رافیا در آیه یازده شناخته شود.

نبرد رافیه در آیه یازدهم، پیش‌نمون جنگ اوکراین میان پادشاه جنوب (روسیه) و قدرت نیابتی پاپیت (اوکراین) بود. این جنگ از سوی دولت اوپاما در روزگار نخستین پاپ برخاسته از نیم‌کره جنوبی آغاز شد؛ او همچنین نخستین پاپ از قاره آمریکا بود، هرچند از آمریکای جنوبی. «جنوب» نماد جهانی‌گرایی، روح‌گرایی و کمونیسم است، و آن نخستین پاپ جنوبی از قاره آمریکا با رئیس‌جمهور جهانی‌گرا، اوپاما، همسو شد، آنگاه که جنگ آیه یازدهم فرا رسید. ریگان، به منزله ایالات متحده در آیه ده، با پاپی محافظه‌کار پیمانی نهانی بست؛ سپس نازی‌های اوکراین به دست رئیس‌جمهوری جهانی‌گرا، در دوره یک پاپ جهانی‌گرا، به خدمت گرفته شدند. ایالات متحده در دوره ترامپ، اکنون در رابطه‌ای آشکار با نخستین پاپ اهل آمریکای شمالی و به اصطلاح محافظه‌کار قرار دارد.

ریگان در نبرد آیه دهم، با ضد مسیح نبوت‌های کتاب مقدس، اتحادی پنهانی داشت، و اوپاما نبرد آیه یازدهم را آغاز کرد، در دوره‌ای که پاپ نیز همچون اوپاما جهانی‌گرا بود. ترامپ اکنون با پاپی متناظر با ریگان در رابطه‌ای آشکار است، با این استثنا که آن اتحاد پنهانی نخستین، اکنون اتحادی آشکار است.

سه پاپ و سه رئیس‌جمهور با سه نبرد آیاتِ دهم، یازدهم و پانزدهم متناظرند.

کلیسای رومی در زیرکی و مکر خود شگفت‌انگیز است. او می‌تواند آنچه را که در پیش است بخواند. او صبر پیشه می‌کند، زیرا می‌بیند که کلیساهای پروتستان با پذیرش سبتِ دروغین به او ادای احترام می‌کنند و اینکه آنان در تدارک‌اند تا آن را با همان وسایلی که خود او در روزگاران گذشته به کار گرفته بود، تحمیل کنند. آنان که نور حقیقت را رد می‌کنند، باز هم در پی یاری این قدرتِ خودخوانده خطاناپذیر برخواهند آمد تا نهادی را که از خود او سرچشمه گرفته است، اعتلا دهند. اینکه او با چه آسانی برای کمک به پروتستان‌ها در این کار خواهد آمد، حدس زدنش دشوار نیست. چه کسی بهتر از رهبران پاپی می‌داند چگونه با کسانی که نسبت به کلیسا نافرمان‌اند، برخورد کند؟

کلیسای کاتولیک رومی، با همه انشعابات خود در سراسر جهان، سازمانی یگانه و عظیم را شکل می‌دهد که زیر کنترل کرسی مقدس است و برای خدمت به منافع آن طراحی شده است. میلیون‌ها مؤمن آن در هر کشور جهان آموزش می‌بینند که خود را ملتزم به وفاداری به پاپ بدانند. هرچه ملیت یا دولت‌شان باشد، باید اقتدار کلیسا را برتر از هر اقتدار دیگری به شمار آورند. گرچه ممکن است سوگند وفاداری به دولت یاد کنند، اما در پس آن، پیمان اطاعت از رم نهفته است که آنان را از هر تعهدی که با منافع آن در تعارض باشد معاف می‌دارد.

تاریخ گواه کوشش‌های مکارانه و پیگیر او برای رخنه در امور ملت‌هاست؛ و چون جای پای به دست آورد، در پی پیشبرد مقاصد خویش است، حتی به بهای نابودی شاهزادگان و مردم. در سال ۱۲۰۴، پاپ اینوسنت سوم از پیتر دوم، پادشاه آراگون، سوگند شگفت‌انگیز زیر را گرفت: «من، پیتر، پادشاه آراگونیان، اقرار می‌کنم و وعده می‌دهم که همیشه نسبت به سرورم، پاپ اینوسنت، نسبت به جانشینان کاتولیک او و کلیسای روم وفادار و مطیع باشم، و با وفاداری پادشاهی خود را در اطاعت از او حفظ کنم، و از ایمان کاتولیک دفاع کرده، تباهی بدعت‌آمیز را سرکوب نمایم.» - جان داوولینگ، تاریخ رومانیزم، کتاب ۵، فصل ۶، بخش ۵۵. این امر با ادعاهای مربوط به قدرت پاپ روم هماهنگ است: «این‌که برای او رواست که امپراتوران را عزل کند» و «این‌که می‌تواند رعایا را از وفاداری به حاکمان ناراست معاف کند.» - موسه‌ایم، کتاب ۳، سده ۱۱، قسمت ۲، فصل ۲، بخش ۹، یادداشت ۱۷.

و باید به یاد داشت، رم بدان می‌بالد که هرگز تغییر نمی‌کند. اصول گرگوری هفتم و اینوسنت سوم هنوز هم اصول کلیسای کاتولیک روم‌اند. و اگر تنها قدرتش را می‌داشت، امروز نیز همچون قرون گذشته آن‌ها را با همان شدت به اجرا می‌گذاشت. پروتستان‌ها اندک می‌دانند که چه می‌کنند وقتی در نظر دارند در کار تعظیم روز یکشنبه، یاری رم را بپذیرند. در حالی که آنان بر تحقق مقصود خود مصمم‌اند، رم در پی احیای قدرتِ خویش و بازیابی برتری از دست‌رفته‌اش است. اگر روزی این اصل در ایالات متحده برقرار شود که کلیسا بتواند از قدرتِ دولت بهره‌گیرد یا آن را مهار کند، و آیین‌ها و مناسک دینی را بتوان با قوانین عرفی الزام کرد، به‌اختصار، اگر اقتدار کلیسا و دولت بر وجدان چیره شود، پیروزی رم در این کشور قطعی خواهد شد.

کلام خدا از خطر قریب‌الوقوع هشدار داده است؛ اگر این هشدار نادیده گرفته شود، جهان پروتستان تنها آنگاه درخواهد یافت که مقاصد حقیقی روم چیست، آن هم زمانی که برای رهایی از دام بسی دیر شده است. او خاموشانه بر قدرت خود می‌افزاید. تعالیم او نفوذ خود را در تالارهای قانون‌گذاری، در کلیساها و در دل‌های آدمیان اعمال می‌کنند. او بناهای رفیع و عظیم خود را برمی‌افرازد که در زوایای پنهان آنها جفاهای پیشینش تکرار خواهد شد. نهانی و بی‌آنکه گمان رود، نیروهای خود را تقویت می‌کند تا چون وقت ضربت زدن فرا رسد، مقاصد خود را پیش برد. آنچه می‌طلبد تنها موضعی برتر است، و این هم‌اکنون به او داده می‌شود. به‌زودی خواهیم دید و احساس خواهیم کرد که مقصود عنصر رومی چیست. هر که به کلام خدا ایمان آورد و آن را

اطاعت کند، بدین سبب ملامت و جفا را بر خود خواهد خرید. مناقشه عظیم، ۵۸۰، ۵۸۱.

در سال ۲۰۱۶ ترامپ انتخاب شد، سپس جهانی‌گرایانی که بایدن نمایندگی‌شان می‌کرد انتخابات ۲۰۲۰ را به سرقت بردند، اما این امر را تنها کسانی درمی‌یابند که دارای بینایی ۲۰/۳۰ هستند. در آیه سیزدهم، دونالد ترامپ در ۲۰۲۴ «بازمی‌گردد»، با قدرتی بیش از هر زمان، و آمادگی خود را برای عصر زرین، و نیز برای نبرد پانزدهم در آیه پانزدهم، آغاز می‌کند. سپس پاپ لئو در ۲۰۲۵ فرا رسید تا بینش را استوار سازد؛ او سومین پاپ مرتبط با سه نبرد آیات ده تا پانزده است، و نیز با سه رئیس‌جمهور آن نبردها. نخستین و سومین آن پاپ‌ها و رئیس‌جمهوران محافظه‌کار به شمار می‌آیند، و پاپ و رئیس‌جمهور میانی جهانی‌گرا بودند. اتحاد نخست پنهانی بود، و اتحاد آخر آشکار است، زیرا در آیه چهاردهم به صورت نمادی بازنمایی می‌شود که بینش بیرونی نبوت ایام آخر را استوار می‌سازد.

در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، کار فرشته نخست، مطابق با نمونه کار فرمان نخستین، آغاز به پی‌ریزی بنیان کرد. آزمون بنیادین بر سر این بود که آیا ویلیام میلر در این تشخیص که در آیه چهاردهم این روم است که رؤیا را تثبیت می‌کند، درست بود یا نادرست. تعیین میلر روم به منزله نمادی که رؤیای نبوی ایام آخر را برقرار می‌دارد، از برخی جهات مهم‌ترین همه حقایق بنیادین میلر است. اینکه میلر چگونه به پاره‌ای از دریافت‌های خود رسید، تنها از رهگذر به‌کار بستن منطقی تقدیس‌شده بر زمان و اوضاع و احوال او قابل استنتاج است؛ اما درباره برخی از کشفیات نبوی او، شهادتی بس مشخص در میان است که چرا به آن دریافت‌ها رسید. بنیادی‌ترین دریافت‌های او همین تشخیص او بود که این روم است که رؤیا را تثبیت می‌کند.

میلر مستقیماً شهادت می‌دهد که چگونه به جست‌وجو پرداخت تا دریابد آنچه در کتاب دانیال «از میان برداشته شد» چه بود. او نه تنها معین می‌کند که پاسخ خود را کجا یافت، بلکه از شور و شوقی سخن می‌گوید که هنگام کشف گوهری که در پی آن بود بر او دست داد. آپولوس هیل شرحی بر نوشته‌های خود میلر ثبت کرده است، و در فراز زیر، هیل نشان می‌دهد که میلر چگونه دانش‌پژوه نبوت شد. میلر، به منزله پیام‌آور نوری که در سال ۱۷۹۸ مهرگشایی شد، نمونه‌ای مقدس از آنان است که دانیال ایشان را «حکیمان» نامید؛ همانان که چون کتاب «مهرگشوده» شود، «فهم می‌کنند». شهادت میلر درباره اینکه چگونه به مطالعه کتاب مقدس رهبری شد، نمونه‌ای هدفمند از سوی آن که همه چیز را تدبیر می‌کند. به سیر تکوین میلر توجه کنید، زیرا او نمونه حکیمانی است که فزونی معرفت را درمی‌یابند، هرچند ایشان، همچون میلر، از تاریکی خطا بیرون آیند.

در ماه مه سال ۱۸۱۶، گرفتار ملامت وجدان شدم، و آه، چه دهشتی جانم را فراگرفت! خوردن را از یاد بردم. آسمان‌ها همچون برنج می‌نمودند و زمین چون آهن. من به همین حال تا ماه اکتبر ماندم، تا آن‌گاه که خدا چشمانم را گشود؛ و آه، ای جان من، دریافتم که عیسی چه منجی‌ای است! گناهانم چون باری از جانم فرو ریخت؛ و آنگاه کتاب مقدس چه روشن به نظر آمد! همه‌اش از عیسی سخن می‌گفت؛ او در هر صفحه و هر سطر بود. آه، آن روز چه روز خجسته‌ای بود! می‌خواستم بی‌درنگ به خانه آسمان بروم؛ عیسی برایم همه چیز بود، و می‌پنداشتم می‌توانم همه دیگران را وادارم تا او را همان‌گونه که من می‌دیدم ببینند، اما در اشتباه بودم.

«در طول دوازده سالی که دئیست بودم، هر کتاب تاریخی‌ای را که می‌توانستم بیابم خواندم؛ اما اکنون کتاب مقدس را دوست داشتم. آن درباره عیسی تعلیم می‌داد! با این همه، بخش‌های بسیاری از کتاب مقدس برای من تاریک بود. در سال ۱۸۱۸ یا ۱۸۱۹، هنگامی که با دوستی که به دیدارش رفته بودم و مرا در روزگار دئیست بودنم می‌شناخت و سخنانم را شنیده بود، گفت وگو می‌کردم، او با لحنی معنادار پرسید: "در باب این آیه و آن آیه چه می‌اندیشی؟" و اشاره‌اش به همان آیاتی بود که در زمان دئیست بودنم به آنها اعتراض می‌کردم. مقصود او را دریافتم و پاسخ دادم: "اگر به من فرصتی بدهید، به شما خواهم گفت که معنایشان چیست." گفت: "چه مقدار

وقت می‌خواهید؟" پاسخ دادم: "نمی‌دانم، اما به شما خواهم گفت"، زیرا نمی‌توانستم باور کنم که خدا وحی‌ای داده باشد که قابل فهم نباشد. سپس عزم کردم کتاب مقدس را مطالعه کنم، با این اعتقاد که می‌توانم دریابم مراد روح‌القدس چیست. اما به محض آنکه این تصمیم را گرفتم، اندیشه‌ای به خاطر آمد: "فرض کن به فقره‌ای برخورد کنی که نتوانی آن را دریابی؛ چه خواهی کرد؟"

در آن هنگام این شیوه مطالعه کتاب مقدس به ذهنم آمد: کلمات چنین فقراتی را برمی‌گیرم و آنها را در سراسر کتاب مقدس پی می‌گیرم و بدین‌سان معنایشان را می‌یابم. من «کنکوردانس کردن» را داشتم [خریداری شده در ۱۷۹۸] که به گمانم بهترین جهان است؛ پس آن را و کتاب مقدس را برداشتم و پشت میز نشستم و جز اندکی روزنامه چیزی نخواندم، زیرا مصمم بودم بدانم کتاب مقدس چه معنایی دارد. از سفر پیدایش آغاز کردم و آهسته به خواندن ادامه دادم؛ و هرگاه به آیه‌ای می‌رسیدم که آن را در نمی‌یافتم، در سراسر کتاب مقدس جست‌وجو می‌کردم تا معنایش را بیابم. پس از آنکه به این طریق سراسر کتاب مقدس را مرور کردم، آه، حقیقت چه روشن و پر جلال نمودار شد! یافتم همان را که به شما موعظه کرده‌ام. قانع شدم که «هفت زمان» در سال ۱۸۴۳ خاتمه یافت. سپس به ۲۳۰۰ روز رسیدم؛ آنها مرا به همان نتیجه رساندند؛ اما اصلاً در اندیشه یافتن زمان آمدن نجات‌دهنده نبودم و نمی‌توانستم آن را باور کنم؛ لیکن آن نور چنان با شدت بر من تابید که نمی‌دانستم چه باید بکنم. اینک با خود اندیشیدم: باید هم مهمیز بزنم و هم پس‌بند ببندم؛ نه تندتر از کتاب مقدس خواهم رفت و نه از آن عقب خواهم ماند. هرچه کتاب مقدس تعلیم دهد، به آن تمسک خواهم جست. با این همه، هنوز آیاتی بود که نمی‌توانستم آنها را درک کنم.

تا اینجا درباره شیوه کلی او در مطالعه کتاب مقدس در موقعیتی دیگر، او شیوه خود را در تعیین معنای متن پیش‌رو—یعنی معنای 'daily' daily داشت. او گفت: "به خواندن ادامه دادم و دریافتم که جز در دانیال مورد دیگری برای آن نیست. سپس آن واژگانی را که با آن پیوند داشتند برگرفتم: 'از میان برداشتن'، 'او the daily را از میان برخواهد برداشت'، 'از زمانی که the daily از میان برداشته شود، و جز آن. به خواندن ادامه دادم و پنداشتم که بر این متن نوری نخواهم یافت؛ سرانجام به دوم تسالونیکیان ۲: ۷، ۸ رسیدم. 'زیرا راز بی‌قانونی هم‌اکنون در کار است؛ فقط آن که اکنون بازمی‌دارد، بازخواهد داشت تا وقتی که از سر راه برداشته شود، و آنگاه آن شریر آشکار خواهد شد، و جز آن. و چون به آن آیه رسیدم، آه، حقیقت چه روشن و باشکوه پدیدار شد! همان است! آن همان 'daily' daily است! خب، اکنون، پولس از آن که اکنون بازمی‌دارد یا مانع می‌شود چه مراد دارد؟ از 'مرد گناه' و 'شریر'، مراد پاپی‌گری است. خب، چه چیزی مانع می‌شود که پاپی‌گری آشکار گردد؟ همانا بت‌پرستی است؛ پس، 'daily' daily باید به معنای بت‌پرستی باشد." آپولوس هیل، راهنمای ظهور ثانی، ۶۶.

هدایت مشیت‌آمیز مطالعه میلر، هم انسانی و هم الهی، در اسناد ثبت است. دوست دیرینه‌اش او را بر آن داشت، و خطوراتی که به او می‌رسید، صدای فرشته جبرئیل بود؛ همان که خواهر وایت، «سطر بر سطر»، او را به عنوان فرشته‌ای معرفی می‌کند که مکرراً به دیدار میلر می‌آمد. او «هفت زمان» را نخستین کشف خویش می‌شمارد و سپس «دو هزار و سیصد» را شاهد دوم «هفت زمان» معرفی می‌کند، زیرا (در برداشت اولیه او) هر دو در سال ۱۸۴۳ به پایان می‌رسیدند. آن دو نبوت، کشف‌های آلفا و امگای او هستند، و در پیوند نبوی با میلر، خطایی را نشان می‌دهند که به واسطه پیام «فریاد نیمه‌شب» به دست ساموئل اسنو اصلاح می‌گردید؛ پیامی که «جنبش ماه هفتم» را آغاز کرد. جنبش «فریاد نیمه‌شب»، آنگاه که اجتماع اردوگاهی اکستر را ترک گفت، همان «جنبش ماه هفتم» بود، زیرا آمدن خداوند را در روز دهم ماه هفتم معین می‌کرد؛ روزی که در سال ۱۸۴۴ مصادف با ۲۲ اکتبر بود.

خطایی که موجب قدرت یافتن فرشته دوم می‌شود، در برداشت نخستین میلر بازنموده می‌شود مبنی بر اینکه «هفت زمان» و «دو هزار و سیصد سال» هر دو به‌طور هم‌زمان در سال ۱۸۴۳ به پایان می‌رسند. در این فراز، آموزه بعدی که مورد بحث قرار می‌گیرد این است که میلر چگونه به این تشخیص رسید که روم، نمادی است که رویا را برپا می‌دارد. مدرسان تاریخ ادونتیست بیان می‌کنند که همه برداشت‌های نبوی ویلیام میلر بر شناسایی او از دو قدرت ویرانگر استوار بود. او این دو قدرت ویرانگر را روم و ثنی و روم پاپی می‌دانست، و هنگامی که دریافت که «دائمی» در کتاب دانیال، روم و ثنی است، آن دو قدرت را در تسالونیکیان دوم مشاهده کرد. هر الگوی نبوی‌ای که به‌دست میلر عرضه شد—که بنا به اطلاع خواهر وایت بارها مورد دیدار فرشتگان قرار گرفت—بر این دریافت او استوار بود که روم، رویا را برپا می‌دارد. بی‌استثنا!

از ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، شیر سبط یهودا در حال گشودن مهرهای مکاشفه عیسی مسیح بوده است. از همان زمان، آزمون بنیادین آغاز شده بود، و هنگامی که نخستین پاپ از ایالات متحده در ۸ مه ۲۰۲۵ دوران پاپی خود را آغاز کرد، به فرجام رسید. در همان هنگام، آزمون هیکل آغاز شد.

ما این مباحث را در مقاله بعدی پی خواهیم گرفت و "۲۵۰" سال را به‌منزله شاهدی به کار خواهیم گرفت تا تشخیص خود را مبنی بر اینکه آزمون بنیادین با پاپ کنونی پایان یافته است، تثبیت کنیم.